

مقدمه

نظام حکومتی امام علی علیه السلام در سال سی و پنج قمری با بیعت مهاجر و انصار در مدینه آغاز شد و در سال چهارم هجری قمری با شهادت وی در کوفه پایان یافت. قلمرو فرمانروایی ایشان تمامی سرزمین‌های اسلامی آن دوره را، به جز بخش شام، در بر می‌گرفت.

دوره چهار ساله حکومت امام علی علیه السلام دارای ویژگی‌هایی می‌باشد که منجر به تحولات بزرگی در جهان اسلام شد. شکاف عمیق فکری، رفتاری بین دولت و مردم در این دوره منجر به بروز ناامنی گردید.

اهمیت این پژوهش در این است که به تحلیل تفاوت و تعارضات پندارهای مردم عرب در دوره امام علی علیه السلام با پندارهای امام علی علیه السلام و تحولات ناشی از این تعارضات به روش تفسیری - تفهیمی می‌پردازد.

روش پژوهش

در این پژوهش در مرحله اول به توصیف، و در مرحله دوم به تحلیل داده‌ها، در چارچوب جامعه‌شناسی تفهیمی می‌پردازیم.

دوران امام علی علیه السلام
بررسی تعارضات پندارهای مردم عرب در دوره امام علی علیه السلام

حجة الاسلام والمسلمین ابراهیم نعمتی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

سؤال اصلی پژوهش

ریشه نامنی‌های سیاسی در حکومت امام علی علیه السلام چه بود؟

سؤالات فرعی پژوهش

۱. ارتباط میان فرهنگ سیاسی، کنش سیاسی و ساختار سیاسی چیست؟
۲. ساختار اجتماعی و ساختار سیاسی عرب دوره امام علی علیه السلام چگونه بود؟
۳. نامنی‌های ناشی از تعارض ساختار اجتماعی و فرهنگی جامعه با دیدگاه‌های امام علی علیه السلام چه بودند؟

فرضیه پژوهش

تعارض ساختار اجتماعی و سیاسی موجود جامعه، با تلاش‌های امام علی علیه السلام برای ایجاد ساختار اجتماعی و سیاسی مطلوب ایشان، عامل نامنی در حکومت امام علی علیه السلام بوده است.

فرهنگ سیاسی، ساختار اجتماعی

و نظام سیاسی سنتی عرب

قبیله در عرب

در این فصل ما به ویژگی‌های فرهنگ سنتی و ساختار اجتماعی سنتی جامعه عصر امام علی علیه السلام می‌پردازیم. جامعه‌های سنتی عرب به طور مشخص انتصابی، پراکنده، خصوصیت‌گرا، خویش‌گرا، و عاطفه‌گرا هستند.

ابتدا به مشخصه بارز جامعه عرب می‌پردازیم و آن عبارت است از قبیله‌گرایی که پنج مشخصه بالا را در خود نمایان می‌سازد. از آنجا که واحد جامعه در دوره امام علی علیه السلام در فرهنگ عرب، قبیله بود، لذا با شناختن قبیله، شناخت اجتماع آن دوره هم به دست می‌آید.

اساس اجتماع عرب بر خون و نژاد است و نسب و عصیت عامل وحدت اجزای خانواده گسترده‌ای به نام قبیله است. خود قبیله، بر آمده از نحوه زیست طبیعی و محیط جغرافیایی می‌باشد و وضعیت خاص جغرافیایی و جبر طبیعت، نوعی زندگی صحرائشینی را بر مردمان تحمیل می‌کرد.

قبیله کارهای ویژه فراوانی داشت؛ دفاع از اعضا و تهیه خوراک و پوشاک هم در سایه وجود قبیله امکان‌پذیر بود. اعراب باور داشتند که قبیله تنها نهادی است که ادامه زندگی را ممکن می‌سازد. با طلوع اسلام قبایل گرد هم آمدند اما مناسبات جاهلی از بین نرفت. در قبل از اسلام که فاصله چندانی با دوره امام علی علیه السلام ندارد، روابط خویشاوندی حاکم بود و تمام ادبیات آنها برای تقویت و حفظ این روابط به کار می‌رفت.

باورهای آنها، دستورالعمل دایمی «فی الجریه تشرک العشیره» نهادینه شده بود. در جرم فرد، کل عشیره مشترکند و بنابراین در جامعه عرب، مسئولیت فردی مفهومی نداشت. چون نیازهای اولیه افراد از جمله

امنیت در قبیله برآورده می‌شد، و هویت فردی در هویت قبیله منحل می‌گشت. بنابراین عرب آن دوره، عاطفی و متعصب به هویت قبیله‌ای خویش بود. قانون مفهومی نداشت و هنجارهای قبیله و دستورات بزرگ‌قبیله، قانون‌های نانوشته‌ای بودند که سرپیچی از آنها ممکن نبود. خاص‌گرایی و خویش‌گرایی، از ویژگی‌های بارز اینها بود. همه چیز را برای خود و قبیله می‌خواستند و تمام عالم را در هویت قبیله‌ای خود تفسیر می‌کردند. حتی نظام عقیدتی و جهان‌بینی آنها برگرفته از ساخت قبیله بود و بت‌پرستی و تکثر در الوهیت نیز در عربستان دلیل این مسأله می‌باشد. چون قبایل هر یک دارای نظام عقیدتی، ارزش خاصی بودند و فرد مفهومی نداشت و واحد اجتماع قبیله بود از این روی قبایل در هم حل نمی‌شدند و تعصب آنها اجازه چنین امری را نمی‌داد. بنابراین قبایل پراکنده بودند، هر چند از نظر جغرافیایی در کنار هم در شهری واحد زندگی می‌کردند. همین‌گرایش قبیله‌ای در عرب حجاز بود که اجازه نداد امت اسلامی که پیامبر ﷺ بر مبنای عقیده آن را ترویج می‌کرد نتوانست شکل محکمی به خود بگیرد.

فرهنگ سیاسی سنتی عرب

مردم عرب با تولد اسلام وارد تاریخ می‌شوند و آثاری از آنها در منابع می‌آید.

پیش‌تر آنها پراکنده و دارای جامعه بدوی و خویشاوندی بودند، در وضع طبیعی فاقد نهادهای مدنی و در زیستی بدوی به سر می‌بردند و می‌توان گفت بر اثر انسی که با طبیعت خشن بیابان گرفته بودند خوی خشن و خونریز داشتند. گرد آمدن جمعیت و قبایل در مکه و مدینه، حداقلی از مدنیت را پدید آورد و دارالندوه و سقیفه که سران تیره‌ها و قبایل گرد هم می‌آمدند و تصمیم‌گیری عمومی می‌کردند، شاخصه نهاد مدنی اینها محسوب می‌شد و عملاً نهاد قدرت فراقبیله‌ای، وجود نداشت. اصولاً حجاز با ظهور اسلام و تشکیل دولت مدینه وارد دوران مدنی، و از وضع طبیعی به صورت نیم‌بندی خارج شد. باورهای نهادینه شده سنتی اینها در اسلام حل نشد و به علت اینکه محصور در نظام خویشاوندی بودند، پدرسالاری را پدید می‌آورد. حکومت رئیس قبیله، خارج از اختیار اعضا بود و در باور عرب ربطی به اختیار وی نداشت و این باور در ذهن و تمام جوارح و جوانب سازمان قبیله عرب تنیده بود. سنت‌های قبیله‌ای غیرقابل خدشه بود. حاکمیت بزرگ‌قبیله، با تولد اسلام حذف نشد و بر اثر اسلام، قبایل گرد هم آمدند، شکل جامعه بزرگ شد، سازمان قدرت با همین سلسله مراتب در جامعه جدید اسلامی تعبیه شد، لذا بعد از رحلت رسول اکرم ﷺ عنصر شیخوخیت در فرهنگ عرب ابوبکر را حاکم نمود و

منزلت قریش به وی مشروعیت داد و سپس در سایر خلفا تا دوره امام علی علیه السلام ادامه می‌یافت. ^(۱)

اگر متغیرهای آلموند را بر اینها تطبیق دهیم؛ فرهنگ سیاسی عرب در قالب محدود تبعی می‌گنجد. عرب با مفهوم کشور بیگانه، و منافع ملی از مجهولات آن دوره بود. اگر در جنگی شرکت می‌کرد چون رئیس قبیله آنها را به جنگ فراخوانده بود؛ دیدگاه رزمنده از جنگ نه تثبیت کشور اسلامی، بلکه کشتن و غنیمت بردن بود و یا قصاص قبیله‌ای انگیزه وی در جهاد محسوب می‌شد. در جنگ جمل، صفین و سپس نهروان مردم عرب نمی‌فهمیدند که حفظ کشور و نظام اسلامی واجب است ولو با کشتن مسلمانان باشد که علیه نظام اسلامی خروج کرده‌اند و چون نمی‌فهمیدند، به راحتی تحت تأثیر تبلیغات سوء واقع می‌شدند و شکاف در جبهه نظام اسلامی ایجاد می‌شد حتی در فرماندهان عالی رتبه سپاه امام علی علیه السلام هم زمینه خویشاوندگرایی وجود داشت و با غارتگران و بُغاتی که به حوزه مملکت اسلامی تجاوز می‌کردند، چون از قبیله‌اش بود رهایش می‌کرد ^(۲) و ضربه‌های مهلک بر نظام اسلامی وارد می‌آمد.

منازعات قبیله‌ای دوره جاهلی، به دوره اسلامی نیز سرایت، و ابتدا در دولت مدینه پیامبر صلی الله علیه و آله افول کرد. اما با ظهور سازمان قدرت به شکل سنتی عرب، منازعات

قبیله‌ای مجدداً شعله‌ور شد. چنان که بسیاری از جنگ‌های دوره امام علی علیه السلام را در قالب منازعات قبیله‌ای توضیح می‌دهند. برخی جنگ جمل را درگیری بین مصریان و یمانیان، و جنگ صفین را جنگ مهاجر و انصار نام نهادند. از این جهت فرهنگ سیاسی عرب، منازعه‌گرایانه بود. آنچه اسلام ترویج می‌کرد همدلی، توحید، تألیف قلوب و فاق‌گرایی بود. اما منازعات داخلی جامعه اسلامی، نشان دهنده فرهنگ منازعه‌گرایانه بود که عامل اساسی در نزاع راهنجاهای قبیله‌ای هدایت می‌کرد.

کسب قدرت و جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله را به ملوکیت تعبیر می‌کردند. برای دستیابی به قدرت، نزاع‌های قومی تشدید شد و سنت‌های جاهلی عرب زنده گردید. ^(۳) در اعطای مقام و منصب سیاسی به اطرافیان، آنچه معیار بود خویشاوندی بود نه تقوا و جهاد در راه خدا و علم و شایسته‌سالاری. و هنجارهایی معیار عمل قرار گرفت که در اسلام مورد نکوهش قرار گرفته و طرد شده بود.

نظام سیاسی سنتی عرب

نظام سیاسی عرب از سازمان قبیله‌ای اخذ شده است. گروه‌های رسمی اطراف حاکم، اغلب خویشاوندان خود حاکم بودند. شکل سلطه در فرهنگ سنتی عرب، سلطه پدرسالارانه و یا پیرسالارانه بود. اموال

عمومی بر مبنای سنت‌های قبیله‌ای عرب تقسیم می‌گردید و خویشاوندسالاری و قوم‌گرایی شیوع داشت.

با طلوع اسلام، قبایل گرد هم آمدند و رهبری امت جدید برخلاف رویه‌های تعیین رئیس در عرب، بر محور اسلامی بود. پیامبر ﷺ با تأسیس سنت‌های جدیدی را بنیان نهاد. اما مدت کوتاه ده ساله زمانی نیست تا هنجارهای نهادینه شده عرف را منسوخ کند. لذا به محض رحلت پیامبر ﷺ اعراب به سیر انتخاب رهبر بر مبنای سنت‌های عربی

خود رجوع کردند و در واقع اسلام، بین مرحله قبیله و مرحله اجتماع در عرب گسستی ایجاد کرد. سازمان قدرت در قبیله به کل جامعه اسلامی تعمیم داده شد. نمونه آشکار

ساختار سنتی قدرت در عرب، حکومت معاویه می‌باشد. در دوره حکومت علی (ع)، اعراب دو نمونه نظام سیاسی پیش روی خود داشتند و چون باورهای عمومی با حکومت شام منطبق بود اقبال عمومی عرب‌ها هم به آن وسیع بود.

دستگاه معاویه در شام هر چند به عنوان بخشی از دستگاه خلافت بود، اما در محدوده حاکمیت خود شکل سنتی قدرت قبیله‌ای را پیاده نمود. معاویه به مرور که قدرت گرفت خود را پرچمدار ناسیونالیسم عربی در برابر اسلام مطرح نمود و ساختار سنتی عرب را احیا کرد.

دستگاه خودکامه معاویه تدریجاً شکل

حکومت پاتریمونیالیستی گرفت. با مستقر شدن حکومت وی در سراسر سرزمین‌های اسلامی، او برای پسرش از همه ایالات بیعت گرفت و سلسله امویان را شکل داد.

خلاصه اینکه در نظام سیاسی سنتی عرب، اقتدار شخصی است و مردمان به جای مسلمانان و مؤمنان، رعیت قلمداد می‌شوند. در اعطای مقام‌های کلیدی وابستگی نژادی جای تخصص و صلاحیت را می‌گرفت. اراده حاکم، قانون محسوب می‌شد و تفکیکی بین مال شخصی و بیت‌المال نبود.

ساختار سیاسی و اجتماعی مطلوب امام علی (ع)

فرهنگ مذهبی

فرهنگ مذهبی فرهنگی است که هنجارها و سنت‌ها و آداب و رسوم اسلام و ارزش‌های آن، همه از وحی سرچشمه می‌گیرند و به دو صورت می‌باشد؛ یا وحی برخی از عناصر بالا را تأسیس می‌کند و یا قبلاً بوده و بر آنها مهر تأیید می‌نهد و با استمرار در جامعه حالت عرف می‌یابد و نهادینه می‌شود. فرهنگ مذهبی اسلام از زمان بعثت پیامبر ﷺ تا کنون جایگزین فرهنگ سنتی نگردید، یعنی آنچه وحی تماماً دستور داده بود کاملاً شکل نگرفت. البته در دولت مدینه، آموزه‌های مذهبی بر شکل سنتی غلبه

یافت اما به صورت مستمر ثابت نماند و بعد از رحلت پیامبر ﷺ و حتی اواخر عمر آن حضرت در چالش با فرهنگ سنتی قرار گرفت.

ماکس وبر، رهبری مذهب را با توجه به وسعت ساخت شکنی که دارد در نوع سلطه کاریزما تیک قرار می دهد؛ پیامبر با قدرت مافوقی که دارد مردمان را گرد خود جمع می کند. نیروی کاریزما، نخست زندگی فرد را دچار دگرگونی می سازد و سپس در نهادهای اجتماعی تحول ایجاد می کند. با تحول در اجتماع و ایجاد کنش های جمعی حول محور کاریزما، نهادهایی در جامعه ایجاد می شود و ساختارهای جدیدی جایگزین ساختارهای قبل می گردد و این ساختارها تا زمان وجود خود شخص فرهمند، کارآ و توانمند است اما با درگذشت شخص فرهمند، ساختارهای سنتی با ساختارهای جدید در چالش قرار می گیرند و اگر جانشین، تابع ساختارهای جدید گردد با ساختارهای سنتی که در زمان فرهمند آتش زیر خاکستر بودند و اکنون سر بر آورده اند در تعارض است و یا ممکن است جانشین، ساختارهای سنتی را مقدم بدارد و در این صورت با دستاوردهای رهبر فرهمند در تعارض است. لذا در صدر اسلام بحران جانشینی شکل گرفت. از امام صادق علیه السلام می پرسند که چرا در زمان ابوبکر و عمر کشمکش ها کم تر بود ولی در زمان عثمان و حضرت علی علیه السلام درگیری به وجود آمد؟ ایشان می فرمایند آنها جانب هر دو را داشتند

ولی عثمان کاملاً سنت های جاهلی و علی علیه السلام کاملاً قرآن و سنت را رعایت می کرد، و از این بیان بر می آید که خلیفه اول و دوم مراعات ظواهر را می کردند و به گونه ای هر دو فرهنگ سنتی و مذهبی را مقابل هم قرار نمی دادند؛ با مشغول کردن مردم به فتوحات و غیره. ولی در زمان عثمان فرهنگ مذهبی در حاشیه قرار می گیرد و ساختارهای سنتی بروز می یابند و در زمان حضرت علی علیه السلام کاملاً به عکس عمل می شود.

برای یافتن ویژگی های فرهنگ مذهبی، ناگزیر به سیره علی علیه السلام و دیدگاه های وی می پردازیم. چنان که ذکر شد فرهنگ مذهبی شیوع و دوام نداشت و هنجارها در عده ای کم، تجلی داشت و لذا به برخی موضوع گیری ها و نظرات علی علیه السلام به عنوان شاهد اشاره می کنیم.

فرهنگ مذهبی را در ذیل پنج مشخصه می آوریم که به وجود آورنده این ویژگی ها در افراد است و تبعاً جامعه را این گونه شکل می بخشد. مشخص ها عبارتند از «امت محوری»، «اکتساب گرایی»، «جهان گرایی»، «جمع گرایی» و «عدم تعصب قومی». و در ذیل این عناوین، مواردی از سیره و اقوال علی علیه السلام شاهد می آوریم تا فرهنگ مذهبی بهتر تصور گردد.

۱. امت محوری

در قرآن کریم، امت به معنای گروهی از

مردمان است که یکی از رسالات و ادیان الهی بر آنان نازل شده باشد. در قانون اساسی مدینه، واژه امت مصداق وسیع تری یافته و نه فقط بر مسلمانان بلکه بر هم پیمانان غیر مسلم ایشان، از جمله یهودیان، نیز اطلاق شده است.^(۴) امت در مدینه الرسول عصیبت از نسب به عقیده و ایمان متحول شد.^(۵) محور بودن عقیده، موجب گردآوری قبایل پراکنده بود. در دولت مدینه، جامعه متحد اسلامی شکل می‌گیرد و هرگاه نظام سیاسی در برگیرنده تمامی تفاوت‌های خویشاوندی و نژادی باشد، قانون برای آحاد افراد کشور باشد و همه در برابر آن مساوی باشند و حکومت مرکزی بتواند قوانین را در تمامی کشور اجرا کند، آن‌گاه با مفهوم کشور که فراتر از قبیله است مواجه هستیم که در صدر اسلام، امت اسلامی مترادف دولت ملت امروزی به کار می‌رفت.

در حکومت امام علی علیه السلام علاوه بر مسلمانان، اقلیت‌های مذهبی، گروه‌های نژادی و مخالفین غیر مسلح سیاسی نیز زندگی می‌کردند و در انجام مناسک خود آزادی داشتند. تعهداتی به حکومت اسلامی داشتند و حکومت اسلامی نیز متقابلاً تعهداتی نسبت به آنها بر عهده داشت. امام علی علیه السلام خیردار شد که در منطقه‌ای از محدوده حکومتش نیروهای دشمن حمله برده‌اند و به مردم ظلم و ستم نموده و اموالشان را غارت کرده‌اند. ایشان در خطبه‌ای، مردم را به مبارزه علیه

متجاوزان فرامی‌خواند و می‌فرماید:

به من خبر داده‌اند که مردی از شامیان در خانه زن مسلمان و زن دیگری (از اقلیت‌های مذهبی) وارد شده و خلخال و دستبند و گردن‌بند آنها را به زور در آورده.... اگر به خاطر این واقعه مسلمانی از روی تأسف بمیرد ملامت نخواهد شد.^(۶)

این بیان، رساننده شدت تأسف امام از تجاوز به افراد تحت حکومت وی می‌باشد. در استان فارس استاندار عمر بن ابی سلمه با زرتشتیان که عده زیادی را در فارس تشکیل می‌دادند، نسبت به کسبه و تجار و مالکین زرتشتی خوش رفتاری نمی‌کند. امام علی علیه السلام به وی نامه‌ای می‌نویسد و به استاندار متذکر می‌شود که آنها چون در عهد ما هستند و با آنها پیمان بسته‌ایم سزاوار دوری و جفا نیستند و توصیه می‌فرماید اعتدال را در میان آنها رعایت نماید.^(۷) مشرکین از نظر اسلامی مطرودند ولی تازمانی که در کشور اسلامی و در پیمان با حاکم اسلامی هستند، نمی‌توان به آنها ظلم نمود و کلیه حقوق انسانی آنها را بایست مراعات کرد.

۲. اکتساب‌گرایی

اکتساب‌گرایی، به اعطای مقام و اقتدار بر مبنای قابلیت اطلاق می‌شود. در جوامع سنتی، مقام، احترام و اقتدار افراد از طریق انتصاب وجود دارد. قرآن کریم ملاک‌ها و معیارهایی برای برتری دادن افراد بر دیگران

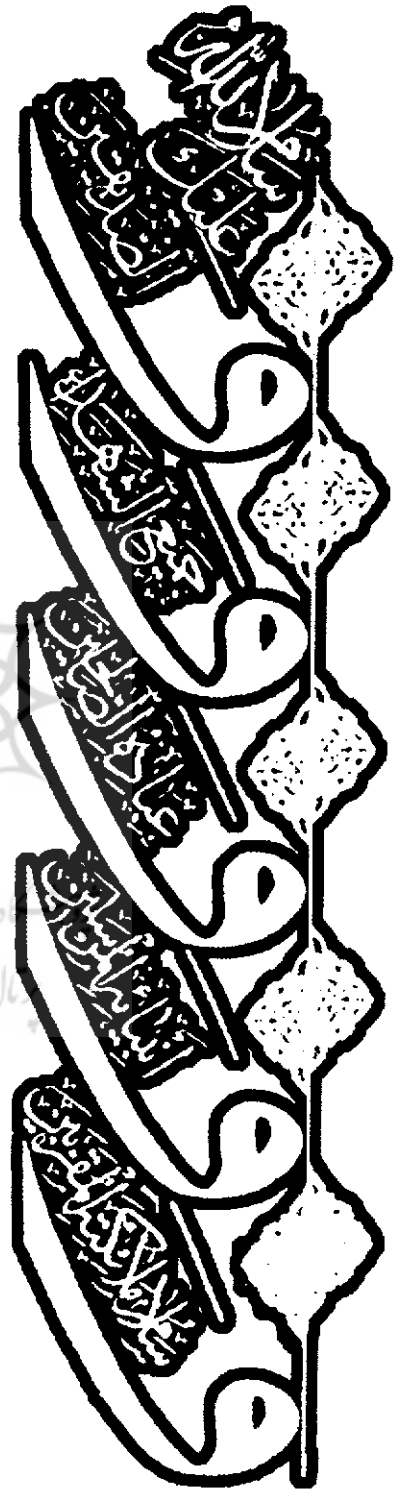
ارائه می دهد که سه معیار برجسته آن عبارتند از: تقوا [«ان اکر مکم عندالله اتقا کم»]؛ جهاد [«فضل الله المجاهدين على القاعدین اجراً عظیماً»]؛ و علم [«هل یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون»].

این سه معیار، مورد توجه امام علی علیه السلام در اعطای مقامات و منصبها به افراد بوده است. در برخی گزارشات تاریخی آمده است که امام علی علیه السلام زمامداری مسلمانان را با صلۀ رحم و خویشاوندی جدا می دانستند. در اعطای حکم ولایات به طلحه و زبیر آنها از امام تشکر می کنند و می گویند: «از این صلۀ رحم جزای خیرینی. امام علی نیز برآشفست و گفت زمامداری مسلمانان را با صلۀ رحم و خویشاوندی چه کار، و آن گاه حکم را باز پس گرفت».^(۸)

مضامین نامه های امام علی علیه السلام به حکام ولایات نشان می دهد که ایشان چگونه با ضعف مدیریت خواص خود برخورد کند، و یا آنها را عزل می کند. با سیستم اطلاعاتی قوی و نظارت دقیقی که بر استان های خود داشت، کوچکترین خلافها را برای وی گزارش می کردند و امام علی علیه السلام هم به استانداران تذکر می داد.

۳. جهان گرایی (کاربرد همسان مقررات)

در سیره امام علی علیه السلام، همه در مقابل قانون یکسانند. در حالی که جامعه سنتی عرب نژادگرا و به عبارت دیگر خاص گرا بود، مانند



عربیت در مقابل عجمیت. قرآن، خاص‌گرایی عربیت را منسوخ فرمودند: «انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا» و ملاک رفتار امام علی علیه السلام نیز قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله بود. پس از آنکه مردم با امام علی علیه السلام بیعت کردند، آن حضرت در یک سخنرانی عمومی سیاست‌های خود را در احیای سنت و قرآن و عدالت اجتماعی و برخورد شدید با غارتگران بیت‌المال، بیان داشت و آن‌گاه دستور داد موجودی بیت‌المال را به گونه‌ای مساوی تقسیم کنند و به هر نفرشان سه درهم می‌رسید.

«دو زن فقیر یکی عرب و دیگری عجم در کوفه به خدمت امام علی علیه السلام آمدند و تقاضای کمک نمودند حضرت به هر کدام بیست و پنج درهم و ظرفی غذا داد. زن عرب خطاب به امام علی علیه السلام گفت: من زنی از زنان عرب و ایشان از عجم هستند و به هر دو ما مساوی انفاق می‌کنی، امام فرمودند به خدا قسم من هیچ فرقی برای فرزندان اسماعیل بر فرزندان اسحاق در انفاق نمی‌بینم.»^(۹) این گزارش حکایت از دو مطلب می‌کند یکی دیدگاه عرب‌ها و تعصب آنها به نژاد که از بیان زن عرب بر می‌آید و دیگری برخورد امام علی علیه السلام که با این دیدگاه نژادگرایانه متفاوت است.

یکسانی مقررات در حکومت امام علی علیه السلام اقلیت‌های مذهبی و مخالفین سیاسی

را هم در بر می‌گرفت؛ «آن حضرت زره گمشده خود را در دست یکی از یهودیان کوفه دید و فرمود: این زره مال من است. یهودی انکار کرد و گفت زره دست من است شما که ادعا می‌کنید باید دلیل بیاورید. چون امام دلیل نداشت، شریح، قاضی محکمه، به نفع یهودی رأی صادر کرد.»^(۱۰) در طول تاریخ در کجا حاکمی و قدرتمندی پیدا شده که به قوانین و مقررات احترام بگذارد و محاکم قضایی جرأت داشته باشند علیه او رأی صادر نمایند. بلکه هر چه خواستند قوانین قضایی و اجرایی را فدای منافع خود نمودند. امام علی علیه السلام به قوانین اسلام در اعلا نهایت پایبند بود و عدالت را در قضاوت، تحقق بخشید و این نمونه‌ای است که در دولت‌های آرمانشهر متصور است و دموکراسی‌های امروز هم در آن دچار تزلزل هستند.

۴. جمع‌گرایی

افراد جمع‌گرا به طور مداوم در تلاش هستند که از طریق قوانین رفتار کنند و حتی زمانی که کسی آنها را نگاه نمی‌کند، مدام ارزش‌های شخصی را به خاطر جامعه و اجتماع فدا می‌نمایند. صاحبان قدرت و سلاطین، به قوانین به طور صوری و ظاهری گردن می‌نهند و در تعارض قوانین و منافع عمومی با منافع شخصی، اولویت را به منافع شخصی می‌دهند و قانون را درباره خود تعطیل می‌کنند و از آن به عنوان بازیچه استفاده

می نمایند. اما درباره امام علی علیه السلام، شکل دیگری را از برخورد با قانون می بینیم. در عمل کردهای امام علی علیه السلام به کرات مشاهده می کنیم که در تعارض بین قوانین و ارزش ها با منافع شخصی، قانون را مقدم داشته است هر چند به ضرر شخصی وی باشد و حتی به خاطر رعایت تمام عیار قوانین درباره نزدیکان و افراد صاحب نفوذ، جبهه های متعددی علیه وی گشودند که برای نمونه، جریان طلحه و زبیر حاکی از این خصیصه امام علی علیه السلام می باشد.

۵. عدم تعصب قومی

منظور این است که فرد سایر افراد و نهادها را همچنان بی طرف و هرکس را مسئول اعمال خود به موجب قوانین در نظر می گیرد، به خلاف تعصب قومی که همواره در تلاش برای کسب امتیازات و برتری جویی قبیله ای است و همه موازین اجتماعی و مدنی را به خاطر قوم خود نادیده می گیرد.

در فرهنگ اسلامی، فرد مسئول اعمال خود است و کسی را به خاطر عمل کس دیگر مجازات یا پاداش نمی دهند؛ از آن روی که هویت فرد مسلمان در ملت اسلامی تعریف می شود نه در قبیله، لذا فرد خود را متعلق به جامعه اسلامی می داند نه قبیله، و قبیله و نژاد برای شناختن و شناسنامه طبیعی افراد است و این باعث اولویت نمی شود. اسلام به صاحب منصبان تأکید می کند که تعصب قومی خود را

در امور دخالت ندهند. چنان که خود علی علیه السلام در عهدنامه اش به مالک اشتر بیان می دارد که: شخص خودت، خاندانت و نزدیکانت و آن دسته که مورد علاقه و توجه تو هستند همگی موظف به رعایت عدل و انصاف در این مواردند درباره خداوند (یعنی انجام اوامر و ترک نواهی) و نسبت به عموم مردم. اگر عدالت را رعایت و اجرا نکنی حتماً ستم روا داشته ای. ^(۱۱)

رعایت عدل و انصاف نسبت به مردم و انجام اوامر الهی، لازمه اش دوری جستن از تعصب گرایسی قومی و ترک ارزشهای شخصی است. همه را یکسان دیدن و تبعیض روا نداشتن، از لوازم عدل و انصاف می باشد.

ساختار سیاسی مطلوب امام علی علیه السلام

دو ویژگی برجسته در حکومت امام علی علیه السلام می باشد که در حکومت های قبلی نبود؛ اول مشارکت توده ای مردم در به قدرت رساندن امام علی علیه السلام که صاحبان قدرت و اشراف عرب نقش برجسته نداشتند. دوم اینکه طبق قرارداد بود. یعنی بین امام علی علیه السلام و مردم نوعی قرارداد اجتماعی محور بود و پایبندی حاکم نسبت به قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، از اصول قرارداد بود.

کارگزاران امام علی علیه السلام افرادی بودند که در فضیلت های اخلاقی و عدم تعدی و ظلم مشهور بودند. در دولت امام علی علیه السلام، تقوا، جهاد و علم معیارهای اساسی در گزینش

استانداران بودند؛ به خلاف حکومت قبل که وابستگی‌های خونی و خویشاوندی معیارهای کسب مقام بودند. همچنین در حکومت امام علی علیه السلام اموال عمومی، از دارایی شخصی حاکم جدا و او نیز در کسب مال از بیت‌المال مانند سایر مردم بود، هر چند که حافظ و نگه‌دارنده بیت‌المال بود و این برخلاف رویه حکومت قبل بود که مال شخصی و بیت‌المال یکی تلقی می‌شد. در حکومت امام علی علیه السلام تقسیم کار شده بود و هر کسی بایست در حیطه وظایف خود عمل می‌کرد. دستگاه قضایی کاملاً مستقل و پر قدرت بود و حاکم در آن با سایرین در فصل خصومت فرقی نمی‌کرد و صاحب منصبان و نظامیان نبایستی تأثیری در دستگاه قضاوت داشته باشند. امام علی علیه السلام در فرمان نامه‌اش به مالک اشتر می‌فرماید:

محلّی را برای دادخواهی و رسیدگی به آنان قرار می‌دهی. باید مجلس، عمومی و در ملاء عام باشد و تو نیز شخصاً در آن مجلس عام شرکت کن و برای خداوند متعال کمال فروتنی و تواضع را انجام ده. در آن روز دستور صادر کن به لشکریان و ارتشیان و نزدیکان و همکارانت که از محافظان شخصی تو و افرادی که برای نظم و مقررات هستند به هیچ وجه در آن مکان حضور نداشته باشند و از آنجا دور شوند و حق امر و نهی نسبت به مردم که برای دادخواهی آمده‌اند نداشته باشند تا اینکه سخنگویان

دسته‌های مختلف مردم بتوانند سخنان خود را بدون هیچ ترس و واهمه‌ای بیان کنند و بدون لکنت زبان شخصاً مسائل و مشکلات خود را با تو در میان بگذارند. ^(۱۲)

این دستور امام علی علیه السلام به مالک اشتر در برگیرنده چند مطلب می‌باشد که مهم‌ترین آن در این نامه آن است که ایشان شکل یک نوع مجلس را معرفی می‌فرمایند که سخنگویان مردم به عنوان نماینده مردم، مشکلات را به حاکم در میان‌گذارند و تقاضای خود را به حاکم برسانند. معیار عمل دولتمردان و حاکم در حکومت مطلوب امام علی علیه السلام با مردم، قوانین و مقررات بودند که یا در قرآن و یا در سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وجود داشتند و معمولاً حاکم در اعمال خود به آنها استناد می‌کرد. لذا از این جهت که حاکم مقید به پیروی از قرآن و سنت رسول صلی الله علیه و آله و سلم است مشروطه است و از این جهت که اقبال عمومی مردم، ایشان را به حکومت رساند جمهوری است.

رویدادهای دوران حکومت امام علی علیه السلام

تغییر دارالخلافه

مدینه نخستین شهری بود که مردم آن از صمیم دل دعوت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم را پذیرفتند. این شهر به مدت ۳۵ سال مرکز حل و فصل کارهای مسلمانان بود و مالیات‌ها به آنجا

سرازیر می‌شده، لذا به شهر ثروتمندی در حجاز تبدیل شد. بسیاری از بزرگان اسلام در آنجا می‌زیستند و انصار که از عرب یمانی بودند پیغمبر ﷺ را از مکه به مدینه خواندند و او را یاری کردند تا بر قریش پیروز شد و مکه را گشود. قریش مردمان تاجرپیشه و مالدار بودند و از نصریان و خود را برتر از دیگر عرب می‌دانستند. در دوران زمامداری عثمان، اندک اندک قریش (نصریان) اختیارات شهر را به دست گرفتند و طبقه‌ای از اشراف را به وجود آوردند و به زندگی مرفه خو گرفتند.

علی علیه السلام وقتی از مدینه به برای سرکوبی ناکثین به ربه و از آنجا به بصره رفت سیصد تن همراه داشت ^(۱۲) - آن هم بیشتر از کسانی که از خارج مدینه یعنی کوفه و مصر برای اصلاح عثمان گرد آمده بودند. مردم مدینه، اشرافی، مرفه، با خوی محافظه کاری آنها را از بحران‌ها به کنار می‌کشاند و غرق زندگی دنیای خود بودند و رژیم انقلابی علی علیه السلام هم با مذاق آنها سازگار نبود و خطری جدی برای اینها محسوب می‌شد. لذا علی علیه السلام این شهر را رها ساخت و به سمت کوفه عزیمت نمود. وقتی از علی علیه السلام علت انتقال مرکز خلافت را از مدینه به کوفه می‌پرسند می‌فرماید: «به خاطر آنکه در حجاز یار و یاورى ندارم.» علی علیه السلام همواره به کوفه چشم داشت، زیرا کوفه چنان که قبلاً آوردیم محل سکونت بسیاری از تابعان و نیز پیروان او بود که در رأس آنان کسانی چون مالک اشتر نخعی و

حجربن عدی و سایر بزرگان یمنی قرار داشتند و از گذشته در دوران حیات رسول الله صلی الله علیه و آله با او ارتباط برقرار کرده بودند و به او علاقه‌مند بودند و علی علیه السلام نیز نفوذ زیادی در آنها داشت و برای بهره‌برداری بیش‌تر از طرفدارانش و کارا بودن حکومت وی کوفه را مرکز خلافت ساخت. کوفه برای علی علیه السلام از جهت دیگر نیز مهم بود و آن موقعیت آن بود که در مرکزیت سرزمین‌های اسلامی قرار داشت و از آنجا شام را بهتر کنترل می‌کرد.

جنگ جمل

جنگ جمل در سال اول حکومت علی علیه السلام در بصره بین ایشان و گروهی بنام ناکثین در گرفت و از آن روی اینها را ناکثین می‌خوانند که در ابتدا با علی علیه السلام بیعت کردند اما با استقرار حکومت و اعلام مواضع علی علیه السلام منافع خود را در خطر دیدند و در تضاد با حکومت قرار داشتند و بیعت شکستند و مردمی را به دنبال خود به جنگ علیه حکومت گردآوری کردند. اولین شورش مسلحانه علیه حکومت علی علیه السلام نیز می‌باشد که نیروهای داخلی نظام، قصد براندازی حکومت علی علیه السلام را داشتند.

علی علیه السلام بعد از بیعت مردم با ایشان فرمود: «سوگند به خدا اگر مال مردم را بیابم که با آن زن به همسری گرفته‌اند و کنیزکان خریداری کرده‌اند به هیچ تردید و درنگی آن را به جایگاه حق خود باز می‌گردانم زیرا

گشایش و آزادی در عدالت است و هر کس داد او را دچار تنگنا اندازد بیداد بیش تر او را دچار تنگنا می‌کند.^(۱۳) این موضع‌گیری صریح و قاطع علی علیه السلام در احقاق حق و رفتار بر پایه عدالت وی، برای اشراف گران بود، اشرافی که سنت‌های جاهلی را در زیر عنوان صحابی بودن و اسلام پنهان کرده بودند، به خود لرزیدند و منافع آنها در خطر می‌افتاد. لذا اولین جبهه را علیه علی علیه السلام گشودند.

ناکثین از سه لایه تشکیل می‌شدند؛ هسته اصلی و قرارگاه مرکزی عایشه همسر پیامبر صلی الله علیه و آله و دختر خلیفه اول، طلحه و زبیر بودند. لایه دوم کارگزاران حکومت ساقط شده قبلی که اطرافیان عثمان محسوب می‌شدند. لایه سوم افراد ماجراجو و فتنه‌انگیز و عوام بودند.

ناکثین در ظاهر با شعار خونخواهی از عثمان و مجازات قاتلان وی، دست به بسیج نیرو زدند. اما آنچه هدف اصلی‌شان بود، کسب مقام و موقعیت دوران خلافت قبلی که با حکومت امام علی علیه السلام از دست رفته بود. عواملی مانند حب مقام، ترس از مصادره اموال و سقوط جایگاه اشرافی و حاکم شدن عدل اسلامی، اینها را وارد نبرد علیه امام علی علیه السلام نمود.

امام علی علیه السلام در جنگ جمل پس از غلبه بر بغات دستور داد که از مال کشتگان چیزی بر ندارند. این فرمان مورد اعتراض قرار گرفت و اعراب که در ذهن خود هنوز



تفکرات جاهلیت رسوب کرده را داشتند نمی توانستند درک کنند که مسأله این کشتگان با کفار فرق می کند.

جنگ صفین

در جنگ صفین امام علی علیه السلام و یارانش علیه قاسطین به نبرد پرداختند. دسته نخست قاسطین یا ظالمین همان کانون قدرتی بودند که در مکه به مدت سیزده سال پیامبر صلی الله علیه و آله و یارانش را شکنجه دادند. همان کسانی که علیه اسلام ایستادند و در تلاش برای حفظ اشرافیت و انحصارطلبی قریش، بدر، احد و خندق را بر اسلام تحمیل کردند. کسانی که ادعای برتری نژادی نسبت به سایر قبایل داشتند.

اینها هنوز داغ کشتگان بدر، احد و خندق را که بزرگانشان به شمشیر امام علی علیه السلام کشته شده بودند در دل داشتند.

دسته دوم از قاسطین را اشراف فراری و کسانی که از بیم مصادره اموال و محاکمه در حکومت امام علی علیه السلام فرار کرده بودند تشکیل می دادند. مالک اشتر و عثمان بن حنیف به امام علی علیه السلام گزارش دادند که اینها فرار می کنند و می شود جلوی ایشان را گرفت. امام در جواب فرمود: «نباید جلوی اینها را گرفت، برای اینکه کسی که از عدل می گریزد و به سوی ظلم می رود لیاقت ظلم را دارد. بگذار بروند.»^(۱۴)

دسته سوم، سران قبایل و اقوام و طوایف

عرب بودند و می دانستند با طرح حکومت امام علی علیه السلام و برگشت به اسلام واقعی و احیای سنت نبوی، ریاست اینها به خطر می افتد.

دسته چهارم، مردم عامی شام بودند که به قول خود معاویه، شتر نر را از ماده تمیز نمی داند؛ مردمی که اسلام را در چهره خالد بن ولید و معاویه ابن ابی سفیان و ضحاک بن قیس دیده بودند و درک درستی از اسلام راستین نداشتند.

این چهار دسته اجزای تشکیل دهنده جبهه قاسطین بودند که علیه حکومت امام علی علیه السلام وارد نبرد شدند.

عکس العمل قاسطین در برابر حکومت امام علی علیه السلام شامل سه مرحله می باشد؛

اول: قبل از اینکه امام علی علیه السلام کاملاً بر اوضاع مسلط شود، گروه های مسلح و غارتگر و مهاجم را اعزام می کردند تا آرامش جامعه اسلامی را بر هم زنند.

دوم: تبلیغات وسیع به راه انداختند و با استخدام شعرا و هنرمندان عرب، خصلتهای جاهلی، تمایلات قبیله ای و اسطوره های جاهلیت را زنده کردند و از طرفی به هجو صحابی امام علی علیه السلام و خود ایشان پرداختند. به جعل حدیث در مدح معاویه و اطرافیانش و ذم امام علی علیه السلام دست زدند که مردم شام را تحت تأثیر قرار داد.

سوم: تجهیز سپاه شام و حرکت به سمت صفین به قصد تصرف عراق.

در جنگ صفین جبهه امام علی علیه السلام نیز خالی از دسته‌بندی نبود. گروه اندکی از صحابی که هفتصد نفر از مهاجرین و چهارصد نفر از انصار در سپاه کوفه بودند، اینها عمدتاً تحت تأثیر تعلیمات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بودند و با فرهنگ جاهلی فاصله داشتند. مردم کوفه که اغلب از یمن بودند، اکثریت گرد مالک اشتر نخعی بودند و ایشان در آنها نفوذ داشت و از پیروان امام علی علیه السلام بودند و جناح دیگر، سپاه کوفه تحت رهبری اشعث کندی بود. از سپاه حدود صد هزار نفری کوفه اشعث، بیست هزار نفر از آن را فرماندهی می‌کرد و مابقی تحت امر مالک اشتر بودند. سپاه کوفه، عمق سطحی‌نگری خود را در تاکتیک‌های سپاه معاویه نشان دادند و جهل خویش را آشکار ساختند و هم‌نوا با قاسطین رو در روی امام علی علیه السلام ایستادند و پندارهای جاهلی خویش را در این حادثه عیان نمودند. معاویه و سپاه شام دم از عربیت می‌زدند و امام علی علیه السلام دم از اسلام. و در پایان می‌بینیم که ناسیونالیسم عربی در برابر مکتب اسلام پیروز شد، چراکه اکثریت اعضای دو جبهه جنگ، ساخته شده و تربیت یافته فرهنگ قبیله‌ای بودند و اقلیت بسیار محدودی نیز تربیت یافته مکتب اسلام بودند. برای همین در این حوادث غلبه با اکثریت می‌باشد.

جنگ نهروان

بازگشت عراقی‌ها به کوفه بازگشت

در دناکی بود، زیرا پیروزی که به قیمت خون زیادی به دست آمده و به ارزان‌ترین قیمت از دست رفته بود و از میان پیروان علی علیه السلام، دوازده هزار نفر پراکنده شدند و از بازگشت به کوفه سرپیچی کردند و به سوی روستای حروراء رهسپار شدند،^(۱۵) و زیر شعار «لا حکم الا لله» علیه امام علی علیه السلام موضع گرفتند. خوارج عمدتاً از قبایل بنی تمیم بودند که قبلاً بیابانگرد بودند و خاستگاه آنها نجد بادیه می‌باشد. آنها وقتی مسلمان شدند بادیه‌نشینی را به تمامه ترک نکردند و در جنگ‌ها بسیار توانا بودند. خشونت با دشمن و وفاداری به قبیله و حکومت، دو ویژگی اینهاست که در تعصب و انعطاف‌ناپذیری از خصوصیات اخلاق بیابانگردی اینها بود که در جریان صفین و قضیه حکمیت ظهور کرد. در دید اینها تسامح و تساهل که از ویژگی‌های انسان مدنی و شهری است وجود نداشت. همه چیز را سیاه و سفید قضاوت می‌کردند. اگر گناه اندکی از کسی سر می‌زد در دیدگاه اینها کافر محسوب می‌شد و بایست توبه می‌کرد و الا خونش مباح بود. حال آنکه این دیدگاه کاملاً مخالف با نص صریح قرآن و سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود. خوارج برای توجیه بدویت خود به متشابهات آیات استناد می‌کردند. کج فهمی اینها به حدی بود که امام علی علیه السلام را مانع اسلام و آفت جامعه می‌دانستند و در نهایت امام علی علیه السلام توسط یکی از همین طیف فکری به شهادت رسید.

نتیجه گیری

جز برای کوفه که کار آن با من است برای من جایی نمانده است. اگر جز تو که گردبادهای آشوبت برخاسته است نباشد خدا روی تو را زشت گرداند. شنیده‌ام «بُسر» به یمن درآمده است. به خدا می‌بینم که مردم به زودی بر شما چیره می‌شوند که آنان بر باطل خود مجتمعند و شما در حق خود پراکنده‌اید. خدایا اینان از من خسته‌اند و من هم از آنان خسته‌ام. آنان از من در ستوه‌اند و من هم دلم از آنان شکسته، پس مرا از آنان بگیر و بدتر از من بر آنان مسلط کن و آنان را از من بگیر و بهتر از ایشان را به من بده. (۱۶)

نامنی‌های دوره حکومت امام علی علیه السلام را می‌توان در تعارض ساخت سنتی با مذهبی تبیین کرد. ساخت سنتی قبل از اسلام در واحد قبیله تجلی کرده بود و بعد از اسلام نیز با همان ساختار به حیات خود ادامه داد. ساختار سنتی عرب، اغلب با این ویژگی‌ها شناخته می‌شود: متعصب و عاطفی نسبت به قبیله، خویشاوندگرا در فعالیت‌های اجتماعی، انتصاب‌گرا در اعطای امتیازات به اشخاص دارای برتری جویی و خاص‌گرا نسبت به سایر مردم، پراکندگی جغرافیایی و عدم انسجام ملی.

در مقابل ساختار سنتی، ساختار مذهبی می‌باشد که عمدتاً اکتساب‌گرا، نافی امتیازات مادی و نژادی و جهان‌گرا، غلبه دادن منافع جمعی بر شخص و جمع‌گرا، غیرمتعصب

نسبت به قبیله و نژاد، امت محور.

این دو ساخت متعارض، از سال ۳۵ تا سال ۴۰ هجری مرتب در چالش بودند. حاملان ساخت مذهبی در اقلیت، و جزو حکومت‌کنندگان و حاملان ساخت سنتی در اکثریت، و در شمار حکومت‌شوندگان بودند. هر عمل حکومتی که از ناحیه امام علی علیه السلام انجام می‌گرفت با ساخت سنتی اینها تعارض پیدا می‌کرد. این تعارضات، احساس امنیت و آرامش عرب متعصب را بر هم می‌زد و ناامنی گسترده‌ای را به بار می‌آورد. احساس ناامنی حکومت‌شوندگان و عدم مفاهمه با حکومت‌کنندگان، اقتدار و کارآمدی حکومت را کاهش می‌داد و حکومت امام علی علیه السلام را دچار بحران‌های جدی کرد. از آنجا که مخالفان آشکار امام علی علیه السلام نمایندگی ساخت سنتی را بر عهده داشتند و این ساخت در بروز بحران‌های اجتماعی و سیاسی عقبه زیاد و فعالی داشت، توانست بر ساخت مذهبی فایق آید.

پانویس‌ها:

۱- آلموند و دیگران، چارچوبی نظری برای سیاست تطبیقی، ترجمه علیرضا طیب، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۷۶، ص ۷۱.

۲- نگاه کنید به حکایت «اعزام سیب نجمه فزاری برای دفع متجاوزین به سرزمین اسلامی»، قانندان علی‌اصغر، سیاست نظامی امام علی، تهران، نشر فروزان، ۱۳۷۵، ص ۲۴۲.

۳- ابن مزاحم، پیکار صفین، ترجمه پیروز اتابکی، و نگاه کنید به نامه امام علی علیه السلام به مخنف بن مسلم، حاکم اصفهان، به تفصیل ویژگی‌ها را برجسته نموده است.

۴- بابایی، علی و آقای، بهمن، فرهنگ علوم سیاسی، تهران. نشر وین، ۱۳۶۵، ج ۱، ذیل واژه هامت.

۵- فیرحی، داود، قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام، تهران، نشر نی، ۱۳۷۸، صص ۱۴۰-۱۴۱.

۶- محمدی، سیدکاظم، المعجم المفهرس لالفاظ نهج البلاغه، قم، نشر امام علی، ۱۳۶۹، ص ۱۷۲.
۷- همان، ص ۱۸۳.

۸- قائدان، علی‌اصغر، سیاست نظامی امام علی، تهران، فروزان، ۱۳۷۵، ص ۱۵۰.

۹- تقی کوفی، ابواسحاق محمد، الفارات، تهران، انتشارات آثار ملی، ۱۳۵۸، ج ۱، ص ۶۹.

۱۰- همان، ج ۱، ص ۱۱۴.

۸- محمدی، سیدکاظم، المعجم المفهرس لالفاظ نهج البلاغه، پیشین، ص ۱۷۲.

۱۱- همان، ص ۱۷۲.

۱۲- همان، ص ۱۲۸.

۱۳- شهیدی، سیدجعفر، پس از پنجاه سال، پژوهش تازه پیرامون قیام حسین، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶، ص ۴۰.

۱۴- شهیدی، سیدجعفر، پس از پنجاه سال، پژوهش تازه پیرامون قیام حسین، پیشین، ص ۳۸.

۱۵- یعقوبی، احمد، تساریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۸۹.

۱۶- محمدی، سیدکاظم، المعجم المفهرس لالفاظ نهج البلاغه، پیشین، ص ۱۴.

تاسیس از دیدگاه
حجة الاسلام والمسلمین سید احمد خاتمی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تالیفات و علوم انسانی

نیم‌بلدغه
ج ۱۰

شماره ۷